

سعادت همه‌جانبه‌ی دنیوی و اخروی در همه‌ی ابنای بشر است و به همین جهت در تمامی ابعاد و شؤونات زندگی انسان‌ها، رهنمودها و دستورالعمل‌هایی قرار داده است. همین حکمت خداوند سبب شده است تا افراد و جوامع از جهات مختلف دارای تفاوت باشند؛ تفاوت به لحاظ امکانات مادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و یا تفاوت در سلامتی جسم و روان و حتی تفاوت در کسب علم.<sup>۱</sup>

در نتیجه دار دنیا دائما نقطه‌ی تلاقی انسان‌ها و جوامع مختلف (و بلکه متضاد) است. در هر نقطه‌ی دنیا فقیر و غنی، حاکم و محکوم و سالم و بیمار وجود دارند و این سنت ثابت الهی است. این سنت الهی است که گروهی فقیر و گروهی غنی باشند:

﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ﴾ خداوند روزی را برای هر که بخواهد  
وَيَقْدِرُ ﴿۲﴾ وسعت می‌دهد یا تنگ می‌کند.

این سنت الهی است که اندوه و شادی و پیروزی و شکست در میان مردم دست به دست بچرخد:

۱. آیات متعددی در قرآن کریم مؤید این مطلب هستند. برای نمونه ر.ک: (بقره /

۲۴۷ و ۲۵۳)، (یوسف / ۷۶)، (زخرف / ۳۲) و ...

۲. (رعد / ۲۶)

## فصل اول

### فلسفه و اثرات انفاق



#### ۱-۱- تفاوت انسان‌ها، سنت الهی

هر سنت خداوند در جهان نشأت گرفته از علم و حکمت الهی است، از این رو یقیناً و رای هر کدام از این سنت‌ها و قوانین، حکمتی نهفته است که آدمی هر قدر بتواند آن‌ها را درک کند، هماهنگی بیشتری با نظام آفرینش داشته و می‌تواند نقش خود را در مجموعه‌ی هستی بهتر ایفا نماید. اهمیت صحبت درباره‌ی فلسفه‌ی انفاق نیز از همین جهت است. طبیعی است هر چه به سرچشمه‌ی این حکم نزدیک‌تر شویم از احکام جزئی فهم دقیق‌تری پیدا کرده و سهل‌تر و آسان‌تر می‌توانیم در مسایل دیگری که در آن زمینه حکم شرعی قابل اعتمادی در دست نداریم، اجتهاد و برداشت نظر صحیحی داشته باشیم.

خداوند حکیم در ادیان الهی (که همگی در راستای هم‌اند) خواستار

﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾<sup>۱</sup> و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم می‌گردانیم.

و در نهایت این سنت ثابت الهی است که همیشه گروهی را نسبت به گروهی دیگر برتری داده به یک شکل واحد روزی ندهد.

بنابر این، تفاوت انسان‌ها در رزق و روزی، سنت الهی است و در همین جهت است که حکم (دستور الهی) انفاق صادر شده است. حکمت این حکم ایجاد فضایی مملو از امنیت و صمیمیت از سویی و کم شدن فاصله‌ی طبقاتی از سویی دیگر است. اینکه همه‌ی مردم از حداقل ضروری زندگی مانند خوراک، پوشاک مناسب و تحصیل بهره‌مند باشند و چنان نشود که عده‌ای با ثروت فراوان ندانند چگونه آن را خرج کنند و عده‌ای هر شب سر گرسنه بر زمین نهند.

این تفاوت انسان‌ها در رزق و روزی نیز دارای حکمت‌هایی است که با تدبیر در آیات کتاب الهی می‌توان به پاره‌ای از حکمت‌های خداوند در این خصوص آگاه گردید:

۱- اگر تمام مردم عالم در یک درجه از قدرت و اعتبار و دارایی بودند دیگر چرخ دنیا نمی‌چرخید و کسی زیر بار دیگری نمی‌رفت تا کاری را به عهده گیرد و هیچ کس تلاشی در جهت بهبودی وضعیتش انجام

نمی‌داد تا در همین تلاش، روح و جسمش را تقویت کند:

﴿أَهْمَرُّ بِقِسْمُونَ رَحْمَتِ رَبِّكَ﴾<sup>۱</sup> مگر رحمت پروردگار تو را آن‌ها تقسیم می‌کنند؟ این ماییم که معیشت آن‌ها را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم، و بعضی از آن‌ها را بر بعضی مراتبی برتری دادیم تا یکدیگر را به خدمت گیرند [و چرخه‌ی زندگی بگردد]، و رحمت پروردگار تو از آنچه خیرٌ ممّا تجمعون<sup>۲</sup> می‌اندوزند بهتر است.

۲- اگر تمامی بندگان از روزی فراوان و گسترده برخوردار می‌شدند، براساس ویژگی‌های شخصیتی شان همگی طغیان کرده زمین را از قابلیت حیات می‌نداختند:

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup> و اگر خدا روزی را برای بندگانش وسعت می‌داد، مسلماً در زمین سر به عصیان بر می‌داشتند، و لیکن یُنزِلُ بِقَدَرِ مَا يَشَاءُ<sup>۲</sup> لیکن به اندازه‌ای که می‌خواهد نازل می‌کند. به راستی او به [حال] بندگان آگاه و بیناست.

۱. (زخرف / ۳۲)

۲. (شوری / ۲۷)

۱. (آل‌عمران / ۱۴۰)

۳- شاید مهمترین دلیل چنین سنتی این باشد که در موقعیت‌های متعدد به وجود آمده، همه مورد آزمایش قرار گیرند تا شایستگی‌های خود را به نوعی آشکار سازند. فقیر صبر و سالم زیستن را، غنی یاری دادن را، حاکم عدل را و...

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَٰءَ فِي الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ﴾<sup>۱</sup> به شما بیازماید، بی‌گمان پروردگار تو زود کیفر و هم‌او آمرزنده‌ی مهربان است.

هر انسان آگاه می‌داند که مال و فرزند، در این دنیا تنها بهانه و مایه‌ی آزمایش‌اند. چنین انسانی همه‌ی وقت و توان خود را صرف این دو نکرده و در پی اجر عظیم خواهد بود:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ أَزْوَاجُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ أَزْوَاجُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ أَزْوَاجُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ أَزْوَاجُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ أَزْوَاجُكُمْ فِتْنَةٌ﴾<sup>۲</sup> است.

۱. (انعام / ۱۶۵) در این زمینه آیات دیگری نیز وجود دارد. ر.ک: (آل عمران / ۱۴۰) و (زمر / ۵۲-۴۹)

۲. (انفال / ۲۸)

از طرفی فقر و ثروت در صورت عدم کنترل، هر دو به پدیده‌هایی خطرناک تبدیل می‌شوند که موجب فساد روی زمین خواهند شد.<sup>۱</sup> حتی اگر غنا و ثروت غیر مادی نیز در اختیار انسان‌ها باشد اما صاحبان آن از یک سری قواعد پیروی نکنند، اثرات سوء زیادی به دنبال خواهد داشت.

با کمی دقت در این حکمت‌ها می‌توان به چرایی اهمیت و جایگاه والای امور خیریه و انواع بخشش در اسلام پی‌برد. بحث انفاق، از بحث‌های کلیدی و بسیار با اهمیت قرآن کریم است که بارها و با واژه‌های متنوع از آن یاد شده است. تکرار فراوان واژه‌هایی چون **انفاق**، **صدقه**، **زکات**، **احسان**، **اطعام** و ... آن هم غالباً در مواضعی ویژه، نشانگر میزان اهمیت

۱. در قرآن کریم خداوند رحمان انسان را چنین توصیف می‌نماید: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّغَيْ أَنْ رَّءَاهُ اسْتَعْتَابَ﴾ "چنین نیست که انسان حق شناس باشد، بلکه مسلماً طغیان می‌کند به خاطر اینکه خود را بی‌نیاز می‌بیند." (علق ۶ / ۷) در (مجلسی، شیخ محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م، ج ۲۷، ص ۲۴۷) به نقل از پیامبر اکرم ﷺ و (صدوق، شیخ أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، الأمالی، قم، مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۷هـ، ص ۲۹۵) به نقل از امام صادق علیه السلام و دیگر منابع در مورد فقر آمده است: "نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد." در این زمینه ر.ک: (حرّ عاملی، شیخ محمد حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق / ۱۳۷۲ش، ج ۱۵، ص ۳۶۶)، (صدوق، شیخ أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش، ج ۱۱، ص ۴۰) و (الهندی، علامه علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م، ج ۶، ص ۴۹۲)

این موضوع است. به هیچ عنوان عجیب نیست که در موارد عدیده مشتقات زکات و یا انفاق پس از اقامه‌ی صلات ذکر شده باشد، زیرا دین در پی اصلاح دو گونه رابطه است: رابطه‌ی فرد با خداوند تبارک و تعالی (صلات) و رابطه‌ی فرد با جامعه که از مهم‌ترین موارد آن انفاق (زکات) است. و اصلاً شگفت‌آور نیست که سزای کسی که در این دنیا تنها به مال‌اندوزی پرداخته و به یاد دیگران نیست جهنم باشد و بس.

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُفْقَهُنَّهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از علمای یهود و راهبان، قطعاً اموال مردم را به ناحق می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند. و کسانی را که زر و سیم می‌اندوزند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک نویدشان ده.

چنین فردی ابتلاءات دنیا را با سربلندی پشت سر نگذاشته و از بهشت منع شده است، تا آنجا که وقتی از اهل دوزخ پرسیده می‌شود: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ "کدامین کردار بد، شما را در این دوزخ آزار دهنده به زنجیر کشید؟"<sup>۲</sup> از جمله مواردی که بیان می‌دارند این است که: ﴿وَلَمْ

نَكَ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ﴾<sup>۱</sup> "در صدد اطعام خانه‌نشینان و از کارافتادگان نبودیم."

به این آیات سوره‌ی مبارکه‌ی فجر بنگرید:

"خوی آدمی بر این است که چون پروردگارش به آزمون بگذارد و او را با کرامت و نعمت بنوازد می‌گوید: پروردگار من مرا اکرام و احترام کرده و گرمای داشته است. و اگر بر وجهی دیگر به آزمونش بگذارد و روزی او را محدود سازد می‌گوید: پروردگار من مرا خوار و بی‌ارح کرده است.

نه هرگز چنین نیست! خدا که شما دولت‌مندان را از روزی نامحدودتری کامیاب می‌سازد برای این آزمون است تا از یتیمان تفقد نمایید و بر درماندگان جامعه انفاق نمایید، ولی شما یتیمان را گرمی نمی‌دارید، و یکدیگر را به اطعام درماندگان تشویق نمی‌نمایید. شما میراث مردگان را هم که رایگان به دست آورده‌اید یکجا می‌بلعید و به مستمندان سهمی نمی‌گذارید (و یا میراث ضعیفان را به آن‌ها نداده و حق آنان را به جا نمی‌آورید)، و با عشق به مال‌اندوزی در تلاش اندوخته‌ای هرچه بیشتر برآمده‌اید.

نه هرگز چنین نیست که روزی خود را به خاطر اندوختن بر شما وافر کرده باشیم و از مستمندان دریغ کرده باشیم! باشد تا آن روز که بستر زمین در هم کوبیده شود که چیزی برجا نماند، و پروردگارت به داوری محشر حاضر شود و فرشتگان صف بر صف آمده و ایستاده باشند، آن روز

۱. (توبه / ۳۴)

۲. (مدثر / ۴۲)

دوزخ آتشین را هم نزدیک می‌آورند. آن زمان است که زاده‌ی آدم آیات قرآن را به خاطر می‌آورد و از خواب غفلت بیدار می‌شود. اما این یادآوری و بیداری کجا تواند که سودمندش افتد؟!<sup>۱</sup>

در احادیث نیز به کرات روی این مسأله تأکید شده است. از جمله امام علی علیه السلام در وصیت‌نامه خویش به پسر بزرگوارشان امام حسن علیه السلام به زیبایی میان انفاق و قیامت ارتباط برقرار کرده و فرموده‌اند:

"بدان که راهی بس دراز و پر رنج و دشوار پیش رو داری که به ناگزیر باید بار سفر را نیک بربندی و سبکبار — فراخور نیاز راه — توشه برگیری. هرگز مباد که بیش از توان، شانه به زیر بار دهی که سنگینیش و بالت خواهد بود، پس همین که فرد تنگدستی را یافتی که تا قیامت توشه‌ات را بردارد و فردا که سخت بدان نیازمندی تحویل دهد، فرصت را غنیمت بشمار و هم‌اینک که توانمندی، توشه‌ات را هر چه بیشتر به او بسپار که در فرصتی دیگر بسا که بخواهی و نیابی."<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: "برترین اعمال سه عملند: برخورد با مردم به همراه رعایت انصاف و عدل و اعطای حق آن‌ها، مشارکت با برادران دینی در مال و معاش و رزق، و یاد خدا در همه حال."<sup>۱</sup>

همانند هر امر دیگری باید توجه کرد که تأثیر انفاق بیش از اینکه به کمیت آن مربوط باشد به کیفیت آن منوط است، تا جایی که مؤمن پس از این که نیت خود را خالص گردانید باید به سمت انفاق بشتابد ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾<sup>۲</sup> و آن را هر چند ناچیز باشد دست‌کم نگیرد. "اگر به طاعت و عبادتی همت گماشتی هر چه زودتر وارد عمل شو. زیرا بنده‌ی مؤمن در یک روز گرم روزه می‌گیرد و جز پاداش الهی امیدی ندارد و خداوند با همان یک روز روزه او را از عذاب دوزخ آزاد می‌کند. طاعتی که مایه قرب به خداست ناچیز مگیر گرچه انفاق نصف خرما در راه خدا باشد."<sup>۳</sup>

## ۱-۲- اثرات انفاق

از منظری دیگر با دریافتن اثرات انفاق، در واقع حکمت‌های آن نیز درک می‌شود. این اثرات به دو بخش کلی اثرات فردی و اجتماعی تقسیم

۱. ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِي وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْدَنِي كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرَمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثِ أَكْلًا لَّمًّا وَتُحِبُّونَ أَمْوَالَ حُبًّا جَمًّا كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا وَجَاءَ رُبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ يَوْمِئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ﴾ (فجر/ ۱۵-۲۳) ترجمه آیات از (بهبودی، محمدباقر، معانی القرآن، تهران، سرا، ج ۳، ۱۳۸۰ش، ص ۶۰۱)، با اندکی تغییر و اضافه در عبارات.

۲. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تصحیح صبحی صالح، قم،

مؤسسه دار الهجرة، [بی تا]، نامه ۳۱، ص ۳۹۸

۱. کلینی الرازی، أبوجعفر محمدبن یعقوب بن إسحاق، الکافی، تصحیح و تعلیق علی

اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية، ج ۳، ۱۳۸۸ق (۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۱۴۴

۲. (بقره/ ۱۴۸)

۳. الکافی: ۲/ ۱۴۲

می‌شوند.

## ۱-۲-۱- اثرات فردی

### الف - نیل به برّ و تقوی

در امتحان بندگی، انفاق‌دهندگان بهترین نمره را دریافت می‌دارند تا آنجا که از نظر قرآن کریم انسان به برّ و مقام بلند ابرار نخواهد رسید مگر اینکه انفاق کند از آنچه دل‌کنند از آن سخت است، چرا که خود او بسیار طالب آن است.

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبُّونَ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>  
هرگز به نیکی دست نیابید مگر این که از آنچه دوست دارید انفاق کنید، و هر چه انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.

انفاق از روزی و اطعام سائل و گرسنه اگر با ذکر خداوند، نماز و صبر همراه شود، شکر نعمت‌های خداوند رحمان به حساب آمده و موجب رسیدن به تقوا می‌شود. هنگامی که یک فرد در راه خدا قربانی کند و فقیر و مسکین را از آن بهره‌مند سازد، این نه از برای رساندن آن گوشت و خون‌ها به خداوند، بلکه با هدف به بزرگی یاد کردن خداوند و ایجاد تقوی است.

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنكُمْ ۚ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْتُمْ ۗ وَنَشِّرِ الْمَحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup>  
گوشت و خون آن‌ها به خدا نخواهد رسید و لیکن تقوای شماست که به او می‌رسد. این گونه آن‌ها را مسخّر شما کرد تا خدا را به خاطر آن که هدایتتان نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مژده ده.

### ب - تزکیه و تثبیت نفس

انفاق و زکات - همان‌گونه که از واژه‌ی زکات نمایان است - قلوب را تطهیر داده و موجبات تزکیه را فراهم می‌سازد. خداوند رحمان زکات را مدخلی برای ورود به طهارت و رشد روح قرار داده است.

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ كَيْفَ وَرَشْدِشَانِ دَهِي، وَدَعَائِشَانِ كُنْ كِه صَلَوَاتِكَ سَكُنُّهُمْ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup>  
از اموال آن‌ها صدقه بگیر تا بدان پاکشان کنی و رشدشان دهی، و دعایشان کن که صلوات‌های تو آرامشی برای آن‌هاست، و خدا شنوای داناست.

و نیز انفاق صحیح عاملی است برای تثبیت دل‌ها که موجب آمادگی آن‌ها در جهت پذیرش حقایق و معارف الهی است. خداوند رحمان که به تمام اعمال انسان بصیر است، قلب انفاق‌دهنده را نرم و روحش را

۱. (حج / ۳۷)

۲. (توبه / ۱۰۳)

۱. (آل‌عمران / ۹۲)

چنان آماده می‌کند که با کوچکترین باران رحمت و معرفتی، زمین دل مؤمن تبدیل به بوستانی بارور می‌شود.

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ و حکایت کسانی که مالشان را در راه  
 أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ خشنودی خدا و برای تحکیم ایمان خویش  
 وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ انفاق می‌کند همچون بوستانی بر تپه‌ای  
 جَنَّةٍ بَرْتَوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ است که رگباری بر آن بارد و میوه‌هایش را  
 فَفَاتَتْ أَكْلَهَا ضَعْفَ بَرٍّ دو چندان بار آورد، و اگر رگباری هم به آن  
 فَإِنَّ لَمْ يُمْسِكْهَا وَابِلٌ فَطَلَّتْ نرسد باران سبک [آن را بس است]. و خدا  
 وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾<sup>۱</sup> به آنچه می‌کنید بیناست.

### ج - رستگاری و پاداش حقیقی

تا انسان، حق صاحبان حق را به آنان برنگرداند و رضایت خداوند را در این راه در نظر نداشته باشد، روی فلاح و رستگاری را نخواهد دید. از جمله‌ی این حقوق، حق خویشاوندان و مساکین است که باید پرداخت شود. انسان مؤمن که به دنبال رستگاری و پاداش حقیقی است، می‌داند که این امر تنها در عمل به دستورات و فرامین الهی محقق خواهد شد و در این راستا رابطه‌ی نیکو با مردم دارای اهمیت فراوانی است.

﴿فَقَاتِلْ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ پس حق خویشاوند و تنگدست و در

وَأَلْمَسِكِينَ وَأَبْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ راه مانده را ادا کن. این [انفاق] برای  
 خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ کسانی که خواهان خشنودی خداوند  
 وَأَوْلَاتِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup> بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند.

با انفاق و صدقه است که انسان قابلیت پیوستن به صالحان را پیدا خواهد کرد. انسانی که در این مسیر گام بر ندارد، بی‌شک دچار ندامتی سنگین خواهد شد که البته قابل جبران نیست.

﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ و از آنچه روزیتان کرده‌ایم انفاق کنید  
 قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ پیش از آن که مرگ یکی از شما در  
 فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ رَسَدٍ، پس بگویند: پروردگارا! ای کاش  
 أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنْ الصَّالِحِينَ﴾<sup>۲</sup> مرا تا مدتی نزدیک مهلت می‌دادی تا  
 صدقه دهم و از شایستگان شوم؟

### د - قوت قلب و اطمینان از آینده (آرامش)

در این دنیایی که در بلا و آزمایش پیچیده شده است، انسان به طور ناخودآگاه اضطراب و دلهره را فراوان خواهد چشید. ترس از آینده و اندوه از گذشته از همراهی انسان دست برنخواهد داشت. در چنین شرایطی، پیدا کردن راهی که این اضطراب را تبدیل به آرامش کرده و

۱. (روم / ۳۸)

۲. (منافقون / ۱۰)

۱. (بقره / ۲۶۵)

ترس و غم را از دل انسان بزداید، بسیار مطلوب و غنیمت است. چه چیزی از این بالاتر که اجر اعمال تضمین شده و در نزد خداوند نگهداری شود.

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ... إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۱</sup>

کسانی که مالشان را شب و روز، [و] نپنهان و آشکار انفاق می‌کنند، پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آن‌هاست و نه محزون شوند... همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز به پا داشته و زکات دادند، پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آن‌هاست و نه غمگین شوند.

## هـ - افزایش روزی

در نگاه اول، انفاق کم کردن مال و دارایی است. به همین دلیل است که بعضی نیز از آن طفره می‌روند تا مبادا حاصل دسترنج خود را به باد دهند. اما خداوند رحمان به صراحت می‌فرماید که چنین نیست و انفاق در راه خدا نه تنها از دارایی نمی‌کاهد، بلکه چندین برابر به آن اضافه خواهد کرد.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ﴾ داستان کسانی که مالشان را در راه خدا

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ﴾<sup>۱</sup> در سبیلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُبْتُتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ<sup>۲</sup>

می‌بخشند چون داستان دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه [باشد]، و خدا برای هر کس بخواهد [پاداشی] چند برابر می‌دهد و خدا وسعت بخش داناست.

یعنی علاوه بر اینکه با انفاق، انسان شامل اجری ارجمند و پاداشی معنوی خواهد شد، بر رزق و روزی مادی و دنیوی او نیز افزوده می‌شود.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

کیست آن کس که به خدا وام دهد تا آن را قرضاً حسناً فیض‌عفه له، برای وی دو چندان کند و او را [در آخرت] پاداشی کریمانه باشد؟

امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه فرموده‌اند: "با صدقه دادن نزول روزی را طلب کنید. کسی که به گرفتن عوض یقین دارد در مورد بخشیدن سخاوتمند است."<sup>۳</sup>

## و- جلب فضل و رحمت خداوند و تقرب به او

انسان آگاه در می‌یابد که فرامین شیطان - این دشمن آشکار و قسم

۱. (بقره / ۲۶۱)

۲. (حدید / ۱۱)

۳. نهج البلاغه، صبحی صالح: قصار ۱۳۷ و ۱۳۸ / ۴۹۴

۱. (بقره / ۲۷۴ و ۲۷۷)



خورده‌ی انسان - همگی در جهت اشاعه‌ی فحشا، و اجابت دعوت او موجب فقر (از هر نظر) خواهد شد. و این خداوند عالم و نعمت گستر است که به مغفرت و فضل خواننده و اجابت او انسان را در دریای رحمتش غوطه‌ور می‌سازد.

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝﴾<sup>۱</sup>

شیطان شما را از تهیدستی می‌ترساند و به [تنگ نظری و] زشتی وامی‌دارد، و خدا به شما آمرزش و بخشش خود را وعده می‌دهد و او وسعت بخش داناست.

از جمله‌ی این رحمت‌ها - و بلکه برترین آن‌ها - قرب خداوند است. او که بخشنده و عطوف نسبت به مؤمنان است، انفاق را بی‌پاسخ نمی‌گذارد و صاحب آن را به بهترین نحو اجر می‌دهد. شخص انفاق کننده، فارغ از رنگ و نژاد و قوم و ملت، اگر ایمان به خدا و روز جزا داشته باشد و به نیت نزدیکی به خداوند انفاق کند، قطعاً به هدفش خواهد رسید.

﴿وَمَنْ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبًا عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۗ أَلَا﴾

و برخی از بادیه‌نشینان هستند که به خدا و روز واپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند مایه تقرب به خدا و دعا‌های پیامبر می‌دانند. بدانید که این انفاق مایه تقرب آنان

۱. (بقره / ۲۶۸) و نیز ر.ک: (یونس / ۵۸)

إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ ۖ سَيُدْخِلُهُمْ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝﴾<sup>۱</sup>

به زودی خداوند ایشان را در جوار رحمت خویش در آورد، که خدا آمرزنده‌ی مهربان است.

## ۱- ۲- ۲- اثرات اجتماعی

### الف - امنیت اقتصادی

علامه طباطبایی ذیل آیات ۲۷۴ - ۲۶۱ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، غرض از انفاق را حمایت طبقات پایین و کم شدن اختلاف میان اقشار مختلف جامعه از جهت ثروت و نعمت‌های مادی می‌دانند. از طرفی توانگران و مرفهان جامعه‌ی اسلامی نیز از تظاهر به ثروت و تجمل و آرایش ظاهری در امور زندگی (همچون خانه، پوشاک، ماشین و ...) تحت عنوان اسراف و تبذیر<sup>۲</sup> نهی شده‌اند.<sup>۳</sup>

۱. (توبه / ۹۹)

۲. تبذیر از بذر پاشیدن به معنی متفرق کردن مال با خرج های نابجا و زیاده‌روی و اسراف آن است. طریحی در مجمع البحرین، تبذیر را صرف مال در آنچه شایسته آن نیست و اسراف را زیاده‌روی در صرف مال در آنچه خرج در آن شایسته است تعریف کرده است. (طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی، ج ۳، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۲۱۷)

۳. «وَأِنَّمَا يُرِيدُ بِذَلِكَ ارْتِفَاعَ سَطْحِ مَعِيشَةِ الطَّبَقَةِ السَّافِلَةِ الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ رَفْعَ حَوَائِجِ الْحَيَاةِ مِنْ غَيْرِ إِمدَادٍ مَالِيٍّ مِنْ غَيْرِهِمْ، لِيَقْرَبَ أَفْقَهُمْ مِنْ أَفْقِ أَهْلِ النِّعْمَةِ وَالثَّرْوَةِ. وَ مِنْ جَانِبٍ آخَرَ قَدْ مَنَعَ مِنْ تَظَاهُرِ أَهْلِ الطَّبَقَةِ الْعَالِيَةِ بِالْجَمَالِ وَ الزَّيْنَةِ فِي مَظَاهِرِ الْحَيَاةِ بِمَا لَا يَقْرَبُ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا تَنَالُهُ أَيْدِي التَّمَطِّ الْأَوْسَطِ مِنَ النَّاسِ، بِالنَّهْيِ عَنِ الْإِسْرَافِ وَ التَّبْذِيرِ وَ نَحْوِ

هدف قرآن نظام بخشیدن به شؤون مختلف زندگی بشر و تربیت انسان در جهت نیل به سعادت دنیا و آخرت است، به نحوی که زندگی در فضایی سرشار از فضایل اخلاقی و با معیشتی پاک صورت پذیرد. چنین چیزی جز در محیطی سالم که تأمین حوایج زندگی در آن میسر شود، حاصل نمی‌گردد. و این نیز به دست نمی‌آید مگر به اصلاح جهات مالی و تعدیل ثروت‌ها و به کار انداختن اندوخته‌ها. بنابر این خداوند متعال با دستور به انفاق قصد دارد تا در جوامع، زندگی متوسطی پدید آید که فاصله‌ی طبقاتی در آن فاحش و بیش از اندازه نباشد. بدین ترتیب وحدت و همبستگی پدیدار می‌شود و خواست‌های متضاد و کینه‌های دل و انگیزه‌های دشمنی می‌میرند و مؤمنان برادران واقعی می‌گردند.

این همان نظامی است که امیر المؤمنین علیه السلام از انحراف مردم از مجرای آن تأسف خورده و شکوه‌ها می‌کرد، و از آن جمله می‌فرمود:

"اینک شما، در زمان و فضایی قرار گرفته‌اید که با گذر هر لحظه، نیکی گامی به واپس می‌نهد و بدی گامی به پیش بر می‌دارد، و اهریمن را در تباهی مردم آزمندی فزاینده‌ای باشد، که اینک همان لحظه‌های حساسی به شمار آید که امکان‌های او نیرو گرفته، توطئه‌اش گسترش می‌یابد، و به آسانی شکار دلخواه را فراچنگ می‌آورد. به هر جا و هر کس که خواهی ژرف بنگر، چه توانی دید جز از درویشی که با فقر دست و پنجه نرم کند؟ یا توانگر و ثروتمندی که نعمت خدای را کفران ورزد؟ یا تنگ

چشمی که بخل به حق خدا را ثروت‌اندوزی پندارد؟ یا سرکش و قانون شکنی که گویی گوش پند نیوشش نباشد؟"<sup>۱</sup>

نظریه‌ی قرآن این است که اگر طبقات پایین جامعه از راه امداد و کمک، به حد متوسط نزدیک نشوند و طبقات مرفه از زیاده‌روی و اسراف و تظاهر به ثروت خودداری نکرده و به آن حد متوسط نزدیک نشوند، بشر روی رستگاری را نخواهد دید. درستی این نظر قرآن با گذشت روزگار کاملاً مشهود است.

هم‌اکنون ثروت‌ها و لذات زندگی مادی همه به طرف توانگران سرازیر شده و برای اکثریت مردم جهان (طبقات پایین یا همان جهان سوم‌ها) چیزی جز محرومیت نمانده است. و عجیب اینجاست که همان طبقات مرفه باز در حال ستیزند تا تمامی نعمت‌های مادی را خاص خود گردانند!

پدید آمدن دو گروه توانگر و فقیر و محروم و منعم، موجب صفا‌آرایی آنان در مقابل هم و شعله‌ور شدن آتش فتنه میان آنان خواهد بود. و این یعنی پدیدار شدن جنگ‌های بین‌المللی و فراهم آمدن زمینه برای تهاجم فرهنگ‌هایی چون کمونیسم و لیبرالیسم که موجب رواج هرچه بیشتر فساد در عالم شده است.

به راستی که پیشگویی‌های قرآن در ایام نزول جنینی بود در رحم روزگار، و مادر روزگار این جنین را در عهد ما زایید و ثمرات تلخش را

ذَکَّ. (طباطبایی، سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات

اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۸۳)

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح: خ ۱۲۹ / ۱۸۷

به ما چشاندید.<sup>۱</sup> تصدیق این گفته‌ها با دقت در آیات سوره‌ی روم مشاهده می‌شود، آنجا که می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا... يَوْمِئِذٍ يُصَدِّعُونَ﴾<sup>۲</sup> "پس حق‌گرایانه روی خود را به سوی قانون الهی توجیه کن و به جانب راست و چپ منگر. سرشت خدا را دنبال کن، همان سرشتی که جان مردم را بر آن بسرشت. (سرشت خدایی بدل نمی‌گردد و دگرگونی نمی‌یابد که اختلاف و ابتدال را به دنبال کشد و قانون خدا کهنه شود.) این همان قانون اصیل است که استوار و پابرجا است ولی اکثریت مردم نمی‌دانند. و شما مؤمنان نیز به سوی همین قانون خدا رو بگردانید و از خشم خدا بترسید که قانون او را بشکنید. نماز را برپا بدارید و در هیچ مظهری از مظاهر زندگی مشرک نباشید؛ از آن‌ها که دین خود را به اختلاف کشانند و با تشکیل دسته‌جات مخالف، مذاهب مختلف را پایه‌گذاری نمودند و اینک هر گروهی به آنچه در دست دارد حرم و شادان است.

طبیعی است که چون به مردمان رنج و محنتی درآید پروردگار خود را به کمک می‌خوانند و رو به سوی او می‌روند، و چون خداوند رحمان از پیشگاه خود طعم راحتی و رحمت را به آنان بچشاند، به ناگاه جمعی از آنان به پروردگار خود شرک می‌ورزند و با فلسفه‌بافی به تمجید خدایان دیگر می‌پردازند. باشد! اینک به نعمت‌هایی که عطایشان کرده‌ایم ناسپاسی کنند و به پروردگار خود کافر شوند! شما مشرکان نیز به کامیابی دنیا بپردازید و به راه خود ادامه دهید! به زودی سزای این کفر و ناسپاسی خود را می‌بینید. آیا بر فلسفه‌ی شرک خود

حجت و برهانی در دست دارند که از آن دست بر نمی‌دارند و یا ما از آسمان سندی بر آنان نازل کردیم که از فلسفه‌ی شرک و معرفی خدایان سخن به میان آورده است.

هماره شیوه‌ی مردم بر این است که چون رحمتی از پیشگاه خود به آنان بچشانیم، شادان می‌شوند و خدا را فراموش می‌کنند و چون به کیفر خطاکاری و جرایم قبلی رنج و سختی بر آنان در آید، سرخورده و مأیوس رو به ما می‌آورند. (آیا ندیده‌اند که بسیاری از ثروتمندان و صاحب‌مقامان به خاک سیاه نشستند) و یا ندیده‌اند که خدای رحمان روزی خود را برای هر کس بخواهد وسیع و گسترده و یا محدود می‌سازد؟ به یقین در قبض و بسط روزی - برای آن مردمی که اهل ایمان باشند - نشانه‌های ربوبیت و انگیزه‌ی آزمون و تربیت مشهود است.

پس تو که امروز صاحب مال فراوانی و روزی وافر داری، حق خویشاوند خود را از فریضه‌ی احسان بپرداز و حق درویش و امانده از کار و درویش درمانده‌ی در راه را ادا کن! این تکلیف اینک برای تو (ای پیامبر!) یک فریضه‌ی اختصاصی خواهد بود، و برای آنان که رضای خدا را می‌جویند بهترین سنت و آیین است که داوطلبانه به آن اقدام نمایند. آنانکه از این سنت پیروی نمایند و بدین وسیله رضای خدا را بجویند رستگارند. و شما مردم آنچه را به عنوان ربا داده‌اید تا در اموال مردم افزون گردد در نزد خداوند رحمان سودی عاید نمی‌کند و روزی شما را افزون نمی‌سازد، اما آنچه را به رسم زکات بپردازید که رضای خدا را تحصیل کنید در نزد خداوند رحمان رشد می‌کند و افزون می‌گردد، و بدین ترتیب صاحبان زکات سودهای چند برابر حاصل می‌کنند.

خداوند رحمان است که شما را آفرید و روزی بخشید و به فرجام زندگی شما را می‌میراند و سپس برای قیامت زنده می‌سازد. آیا از این خداوندانی که شما

۱. وَ قَدْ كَانَ جَنِينًا أَيَّامَ نُزُولِ الْقُرْآنِ فَوَضَعَتْهُ حَامِلُ الدُّنْيَا فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ. ر.ک: (المیزان:

شریک و انباز او می‌شمارید خدایی هست که کاری از این قبیل کند؟ خداوند رحمان منزّه و برتر از آن است که با خدایان مشرکین انباز و همتا باشد. بر اثر دستاورد شوم و کثرت گناهان مردم، فساد و غارت و خونریزی بر دشت و دریا حاکم شد تا خداوند جهان تلخی و ناگواری برخی از کارهای شوم و کردار ناصواب مردم را به آنان بچشانند، باشد که از بی‌بند و باری و افسارگسیختگی دست بردارند. بگو در صحنه‌ی گیتی به سیر و سیاحت شوید و به فرجام ابرقدرت‌های پیشین بنگرید تا دریابید که بیشتر آنان مشرکان بوده‌اند که یکباره به دست هلاکت سپرده شدند.

پس تو روی خود را به سوی قانون پابرجا و استوار الهی توجیه و مقابل کن، پیش از آنکه روز قیامت فرا رسد که از سوی خداوند جهان بر سر راهش سدّی قرار ندارد که بازش بگرداند. آن روز جمع مردم از هم جدا می‌شوند و دو فرقه‌ی ممتاز (بهشتی و دوزخی) را متشکل می‌سازند.<sup>۱</sup>

## ب - امنیت اجتماعی

مسلمانان باید با دعوت به نیکی‌ها و انجام اعمال خیر، روح وحدت و اخوت را جایگزین اختلاف و تفرقه کنند و بدین وسیله جامعه را به سمت رستگاری سوق دهند. ارتباط دوسویه‌ی سالم میان اقشار مختلف جامعه و از جمله‌ی آن ارتباط اقتصادی و پرداخت انفاق و قرض به مستحقان، در پدید آوردن این فضا بسیار تأثیرگذار خواهد بود. در واقع تنها کارکرد انفاق و سایر واجبات و مستحبات مالی رفع فقر و فاصله‌ی

شدید طبقاتی نیست، بلکه گسترش این مناسبات، پیامد بسیار مهم دیگری به نام امنیت اجتماعی را در پی خواهد داشت.

زکات عواقب بد فقر را؛ هم درمان می‌کند (وجه اقتصادی)، و هم تسکین می‌دهد (وجه اجتماعی). اگر تمام مسلمانان ملزم به پرداخت واجبات و مستحبات مالی خود باشند، نه تنها فقر از جامعه رخت برمی‌بندد، بلکه فضای جامعه از محبت لبریز خواهد شد. دیگر فقرا، اغنیا را به دید ظالم و متصرف حقوق خود نمی‌نگرند، زیرا طعم محبت آنان را فراوان چشیده‌اند. و دیگر اغنیا از برخورد با فقرا واهمه نداشته و آنان را راهزن اموال و دارایی خود نمی‌دانند، زیرا آنان در حسرت رسیدن به امکانات دولتمندان نیستند.

از این رو، علاوه بر فرامین فراوان در مورد خاص فقرا، عموم مردم به ویژه خویشان، همسایگان، دوستان و آشنایان - اعم از فقیر و غنی - نیز در توصیه‌های اسلام مورد توجه قرار گرفته‌اند. به نوعی می‌توان ادعا کرد که وجوهات مالی در اسلام فقط متعلق به فقرا نیست، و مردم عادی و حتی توانمندان جامعه نیز حق بهره‌مند شدن از آن را دارند. سفارش اسلام در مورد هدیه به اشخاص از این جمله است، که در آن به هیچ روی قید فقیر بودن هدیه‌گیرنده مطرح نیست.

در مورد انواع ولیمه نیز وضع به همین منوال است. امام علی علیه السلام در روز ازدواج با حضرت فاطمه علیها السلام تقریباً به تمام اهل مدینه یعنی بیش از چهار هزار نفر از دارا و فقیر ولیمه دادند.<sup>۱</sup> حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز

۱. (روم / ۳۰-۴۳)، ترجمه آیات از (معانی القرآن: ۴۱۵ و ۴۱۶) با اندکی تغییر و

اضافه در عبارات

در ولیمه‌ی یکی از فرزندان خود سه روز اهل مدینه را غذا داده و در دیگرهای بزرگ، در مساجد و بازارها حلوا پخش کردند. یکی از اهل مدینه بر این کار امام خرده گرفت. این سخن او را امام علیه السلام شنید و فرمود: خداوند به سلیمان فرمود: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾<sup>۱</sup> و هر چه به پیامبران پیشین داده به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم (و خاندانش) نیز مانند آن را عنایت و اضافی نیز داده است. و همین خدا به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرموده است: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾<sup>۲ و ۳</sup>

ملاحظه می‌شود که همه‌ی اهالی شهر از هر قشر، از این ولیمه‌ها تناول کردند. در مورد تقسیم قربانی و پخش آن میان افراد و اشخاص مختلف نیز روایاتی وجود دارد که مؤید همین مطلبند. از جمله در امالی شیخ صدوق آمده است: "قربانی باید به سه سهم تقسیم شود؛ یکی به مصرف قربانی دهنده برسد، یک‌سوم آن هدیه داده شده و میان خویشان، همسایگان و دوستان و آشنایان تقسیم شود و قسمت باقی‌مانده به فقرا صدقه داده شود."<sup>۴</sup> از این رو کسانی که تمام قربانی خود را به فقرا صدقه

می‌دهند، و یا همه‌ی آن را صرف خویشان و آشنایان می‌کنند، همگی دچار اشتباه شده‌اند. زیرا این تقسیم‌بندی هم‌زمان، دربرگیرنده‌ی نکات مختلف و ظریفی است که احتیاج به دقت و تأمل دارد.

اگر به مجموعه‌ی فرامین و توصیه‌های اسلام در مورد روابط مسلمانان با یکدیگر دقت شود، دریافته می‌شود که پدیدار گشتن جامعه‌ای مملو از امنیت و صمیمیت از اهداف پررنگ و پر اهمیت آن است. این صحیح نیست که به مباحث مالی اسلام، تنها از یک منظر نگریده شود و وجوه دیگر آن مورد توجه قرار نگیرد. بنابر این اگر یکی از اثرات اجتماعی انفاق، امنیت اقتصادی و کم شدن فاصله‌ی طبقاتی و در نهایت ایجاد عدالت است، از اثرات مهم دیگر آن به وجود آمدن امنیت اجتماعی و ایجاد هم‌دلی و رفع فقر عاطفی میان افراد است که با بخشش و انفاق - حتی به اغنیا - محقق می‌شود. اگر یک انسان دارا در ولیمه‌ی همسایه‌ی خود شریک شود، اگر یک فرد توانمند مورد عنایت خویشاوند خود قرار گرفته و به سفری زیارتی فرستاده شود، به حکم **الانسان عبید الاحسان** هرگز این نیکی را فراموش نکرده و در موقعیت‌های دیگر در صدد جبران بر می‌آید. در این صورت است که محیط برای اجرای دیگر دستورات اسلام مهیا خواهد گشت.

۱. "این عطای ماست، پس بی حساب [به هر کس خواهی] ببخش و یا امساک کن."

(ص / ۳۹)

۲. "و آنچه را فرستاده [ی او] به شما داد بگیرید و از آنچه شما را بازداشت باز ایستید." (حشر / ۷)؛ کنایه از اینکه خرده‌گیری بر ما اهل بیت همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جایز نیست.

۳. الکافی: ۶ / ۲۸۱

۴. امالی صدوق: ۶۵۱